

پرنده‌ی شبِ خزان

پرنده‌ی شبِ خزان

چو در آری با این بهار تازه سینه

چو در آری با این در قفس غم می‌کنی

چرا صدای تو با هیچ نور نمی‌آید

چو عاشقانه صدای تو

چو نغمه‌ای بهیچ نوازی

زد در می‌آید

پرنده‌ی شبِ خزان

نی گم نهان

ز نور تو ایام است

دل ام برای دوباره جوان شدن دارد

+ + +

لید ۵-۲